وثاقت حفص و ریشه تضعیف او توسط عامه

شاگرد: شما به توثیقات و تضعیفات رجالی در مورد این روات اهمیت می‌دهید؟ مخصوصاً در مورد حفص و عاصم.

استاد: اصلاً حفص را که تضعیف می‌کنند. در مورد عاصم هم می‌گویند «فیه کلام». خیلی جالب است.

شاگرد: عبارت مرحوم خوئی در مستند عروة الوثقی این است: «علی أنّ بعض وؤلاء التلاميذ معروفون بالفسق والكذب كحفص الراوي لقراءة عاصم علی ما صرّح به في ترجمته[۱]».

استاد: بله، پارسال بود ای دو سال قبل بود که در یک جلسه مفصل صحبت کردیم. خیلی بعید است که این حرف را ایشان بیاورند، حرف یک سنی را به این صورت جلوه بدهند. اینکه می‌گویند حفص فاسق و کاذب است، حرف چه کسی است؟ حرف یک سنی علیه حفص است. در مباحثه هم به تفصیل گفتم. این سنی چرا این را می‌گوید؟ شاهدش را هم آوردم. شیخ الطائفه و دیگران می‌گویند «من اصحاب الامام الصادق». یعنی حفصی که شیعه بوده و شیخ الطائفه می‌گوید «من اصحاب الامام الصادق»، آن سنی می‌گوید «کذاب».

شاگرد: مرحوم آقای خوئی بدون اینکه علت این تضعیف را بگویند حرف او را نقل می‌کنند.

استاد: بله، حرف یک سنی را می‌آورند که کذاب. درحالی‌که وقتی یک سنی می‌گوید «کذاب»، یعنی مطالبی گفته که به ابوی صحابه بر می‌خورد. لذا می‌گویند ضعیف فی الحدیث و ثقة فی القرائه. خب چرا؟ خب قرآن که قرآن است. اما هر چه در حدیث روایت می‌کرده دروغ است. چون از اصحاب امام صادق بوده. وقتی به دنبالش می‌روید می‌بینید که یک چیزهای واضحی است.

شاگرد: یعنی این تضعیف علت موجهی ندارد؟

استاد: ابدا. ایشان می‌گویند که اینها اصلاً سند ندارند. مرحوم طبرسی در ابتدای مجمع می‌گویند اتفاقا اینها را که برگزیدند چون سند قوی متصل دارند. اما ایشان می‌گویند که کدام یک از اینها سند دارد! در البیان می‌فرمایند.

شاگرد: البانی هم درکتابش وقتی همه اقوال را نقل می‌کنند همه دلالت بر فسق و کذب حفص دارد.

استاد: بله، فضا به این صورت بوده. در روایات او هم خیلی گشتم که از حفص یک روایت پیدا کنم تا گرا بدهیم که این که گفتند کذاب است به جهت این است که این را روایت کرده است. اگر هم پیدا کردم یادداشت کرده‌ام. الآن یادم نیست.

شاگرد۲: ای می‌گفتند کذاب است ای می‌گفتند که عقلش از کار افتاده است.

استاد: عاصم هم همینطور است. عاصم هم شیعه است. نقل های حسابی دارد. دیدم که در حدیث می‌گوید که نمی‌توانیم در نقل حدیث از عاصم دل جمع باشیم. نمی‌شود، یک چیزهایی می‌گوید که ما باید خدشه بیاندازیم که از حدیث او خاطر جمع نباشند.

شاگرد: نسبت فسق و کذب از یک دوره‌ای و از یک شخصی شروع شده که بعدی ها از او می‌گیرند؟

استاد: بله، اگر پی جویی کنید من تا جایی که ممکنم هست، آنها را آورده‌ام. در شرح حال حفص ببینید. صفحه مستقلی است. اگر دیدی که لینک های جدیدی در صفحات نیاز است که به هم وصل کنید، اضافه کنید. چه به نحو ارسال و... . یکی از بهترین چیزهایی که این فدکیه را گسترش می‌دهد این است که ذهن شما آلآن حاضر است و می‌بینید این دو مطلب به هم مربوط است؛ همان جا ارسال کنید که این صفحه به آن صفحه مربوط است. بعداً بین این صفحه‌ها لینک گذاشته می‌شود و به‌صورت مرتبط در می‌آید.[۱]

والحمد لله رب العالمین

---

[۱]موسوعة الامام الخوئي ج14ص۴۳۹

[۲]شاگرد: ....

استاد: حاج آقا در دو جا تله‌ی به آلات را مطرح می‌کنند. یکی در جلد دوم جامع المسائل است و یکی هم در جلد پنجم در کتاب الشهاده است. یک جا دارند که ضرورات عرفیه در خانه –خانه سوران- ای در یک جای دیگری دارند و در جای دیگر ندارد. اما به نظرم از آن یک تخفیفی استفاده می‌شود. حالا شما نگاه کنید که کدام یک از آنها است. در اینکه شاهد باید عادل باشد، آن چه که تله‌ی به آلات موسیقی می‌کند، عادل نیست و در دادگاه شهادت او قبول نیست. یکی هم در بحث غنا در مکاسب محرمه در جلد دوم. به نظرم در اینجا تخفیفی هست. اما اینکه چطور هست، مرحوم صاحب جواهر می‌فرمایند که دف باید سنج نداشته باشد. دفی که در آن زنگوله هست، آن زنگوله باعث می‌شود که مطرب شود و مناسب با فساق باشد. اما اگر دفی باشد که در روایت آمده است، مشکلی ندارد. به نظرم تعبیری سنج دارند، یا لغت دیگری. در جواهر نگاه کنید در آن تخفیف هست. ما مباحثه کردیم. متأسفانه آنها ضبط نشده است. من هم اصلاً یادم رفته بود. آقای وافی گفته بودند خروجی بحث خوب بود. دیدم راست می‌گویند. ما در اینجا مدتی بحث موسیقی را مباحثه کردیم. ولی آن زمان این ضبطها نبود.

بعد از اینکه ایشان فرموده بودند، وقتی جلد بیست و دو جواهر را باز کرده بودم، دیدم با مداد مطالبی را نوشته بودم. یادم آمد که آنها را در مباحثه یادداشت کرده‌ام. نمی‌دانم خود ایشان نوشته اند یا نه.

شاگرد: نتیجه آن چه شد؟

استاد: ترکیبی از کیفیت صوت و محتوا با هم بود. یعنی هیچکدام از اینها عنصرهای مستقلی نبود. یعنی صرفاً کیفیت صوت و صرفاً محتوا نیست. واقعاً آمیختگی اینها در غنایی که حال

عدم حساسیت نسبت به حرام و حلال در شخص پدید می‌آید، لازم است. یعنی کیف به‌گونه‌ای است که او را وارد حالتی می‌کند که وقتی به او می‌گویی‌م حرام است، او می‌گوید حرام و حلال چیست؟! یعنی نسبت به حرام الهی حساسیت روحی او ضعیف می‌شود. به این طرب می‌گویی‌م. طرب خفتی در روح است که این حالت را می‌آورد. لذا علماء گفته‌اند مناسب مجالس عیش و نوش، به این معنا است. لذا اگر کیفیت صوتی باشد که محتوایی داشته باشد که نگذارد آن حلال و حرام ضعیف شود، مشکلی ندارد. نمی‌توانی‌م بگوی‌م چون کیفیت آن این است، حرام است. کما اینکه اگر محتوا خراب است، اما صوت مشکلی ندارد. خب محتوا خراب است، نه اینکه آن غنا باشد. لذا ترکیبی از هر دو لازم است. یعنی کیفیت صوت به ضمیمه محتوای ناجور در روح او حال طرب را می‌آورد. حال طربی که ای غم ناک می‌شود‌ای خوشحال می‌شود، به‌نحوی‌که حساسیت او نسبت به احکام شرعی و حرام و حلال از بین می‌رود. بعداً هم اگر شراب بیاورند می‌خورد. حاج آقا می‌فرمودند متخصص این فن، ولید ملعون است. حاج آقا خیلی زیاد می‌فرمودند. ولید حوض شراب داشت. در حوض می‌رفت و می‌خورد. می‌فرمودند این ولیدی که متخصص هر دوی آن‌ها است، او گفته همان کاری که خمر با انسان می‌کند موسیقی هم می‌کند. ایشان می‌گفتند باید از متخصص بپرسی‌م! چطور فرار‌ی خواب کرد. یک فن مهمی است. شیخ بهائی در کشکول فرموده‌اند فقهای بزرگ ما همه علم موسیقی را بلد بودند. انجام آن را حرام می‌دانستند اما علم آن را بلد بودند!

شاگرد: طبق این فرمایش غنای در عروسی مستثنا است؟

استاد: فی الجمله در آن استثنا هست. در روایاتش هم اصلاً مشکل ندارد.

شاگرد: الآن که قابلمه می‌زنند، چگونه است؟

استاد: آن از این باب است که آلت مختصه نباشد. به‌خاطر آن جهت است که احتیاط هم دارند که آلت غیر مختصه باشد و به نحو لهو به حمل شایع و قطعی هم نرسد و مشکوک باشد. قابلمه آن‌که هیچ مشکلی ندارد، چون آلت معده نیست.آلت غیر مختصه اش هم وقتی که به حد لهو قطعی نرسد، به خاطر احتیاط.

بازبینی #2
ایجاد شده 9 آوریل 2024 13:41:22 توسط ... .
به روزرسانی شده 19 مه 2024 14:23:24 توسط ... .